



امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

زمان: ۱۰ صبح ۱۴ دقیقه: ۹۰ دقیقه

شماره نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه
شماره نام خانوادگی دوم	نوع مدرسه	نوع مدرسه

نیم سال اول ۹۸-۹۷
رشته کلام و روای، مهر ۹۶

مهر مدرسه

کد رهبر:	۳۹۷۱/۱۸
مدرسه:	۱۳۹۷/۱۱/۰۲
موضوع:	فلسفه اسلامی ۲
کتاب:	نهایة الحکمة
موضوع:	جلد سوم: مرحله هشتم (ص ۷۵۱-۶۰۰)، مرحله نهم: هشت فصل اول (ص ۸۱۸-۷۵۵)، مرحله دهم: پنج فصل آخر (ص ۹۰۸-۸۹۱) و جلد چهارم: مرحله یازدهم: هفت فصل اول (ص ۹۷۷-۹۱۷)

نام و نام خانوادگی: نام مدرسه: کد کلنگی: درس: شهرستان: استان:

۱- فاعل در مثال های «الانسان يفعل الصور الخیالیة» و «النفس الانسانیة المجرّدة بالنسبة الی کمالاتها الثانیة» به ترتیب از کدام فواعل

۰/۵

است؟ ج ۳ ص ۶۶۶ و ۶۶۷

- الف. فاعل بالرضا - فاعل بالعناية
- ب. فاعل بالرضا - فاعل بالتجلی
- ج. فاعل بالعناية - فاعل بالرضا
- د. فاعل بالتجلی - فاعل بالقصد

۰/۵

۲- نسبت صورت به ماده کدام است؟ ص ۷۴۲

- الف. معلول ماده
- ب. علت صوری
- ج. شریک علت غایی
- د. شریک علت فاعلی

۰/۵

۳- منظور از کمال اول و ثانی با توجه به عبارت «أنها کمال أول لما بالقوة من حيث أنه بالقوه» چیست؟ ج ۳ ص ۷۷۴

- الف. حرکت - رسیدن به غایت
- ب. متحرک - زمان دار شدن
- ج. حرکت - عرض
- د. متحرک - جوهر

۰/۵

۴- مراد از عبارت «کون الماهیة الموجودة المعلولة مسبوقه بعدمها المتقرر فی مرتبة علتها» کدام حدوث است؟ ج ۳ ص ۹۰۷

- الف. حدوث ذاتی
- ب. حدوث زمانی
- ج. حدوث دهری
- د. حدوث به حق

۵- گروهی به قاعده: «وجوب وجود المعلول عند وجود علته التامة» اشکال کرده اند، به اینکه: «ان الواجب عز اسمه فاعل مختار و هو علة

تامة مما سواه و کون العالم واجباً بالنسبة الیه ینافی حدوثه الزمانی» این اشکال را شرح داده، پاسخ آن را بنویسید. ص ۶۲۲-۲ - نمره

۲

جواب:

واجب تعالی فاعل مختار و علت تامه می باشد و بنابر این قاعده، عالم که معلول خداوند (علت تامه) است واجب می شود و این با حدوث زمانی عالم منافات دارد زیرا هر زمان که خداوند باشد عالم نیز باید موجود باشد و عالم قدیم زمانی می شود. (۱ نمره)

جواب اشکال: [اولاً: فاعل مختار بودن حق تعالی به این معناست که چیزی ورای او نیست که خداوند را مجبور کند و وجوب به معلول دهد. ولی اگر این ضرورت و

وجوب از خود حق تعالی صادر شود منافات با اختیار حق تعالی ندارد. (اجبار چیزی وراء حق تعالی چه معلول چه غیر معلول محال است.)]

ثانیاً: عالم (به معنای ما سوی الواجب) حادث نیست چون معنای حدوث عالم یعنی زمانی باشد که عالم نباشد و این منافات دارد با اینکه زمان نیز جزء عالم می باشد.

(یک جواب در پاسخ دادن کفایت می کند.) (۱ نمره)

۶- با توجه به عبارت «و اما قولهم: ان العلة الغائیة، علة فاعلیة لفاعلیة الفاعل، فکلام لا یخلو عن مسامحة» مسامحه ای را که در عبارت،

وجود دارد در مورد فواعل طبیعی توضیح دهید. ج ۳ ص ۷۰۶ - ۲ - نمره

جواب: فاعل های طبیعی علم ندارند تا غایات افعال آن ها نزد آن ها حضور علمی داشته باشد و فاعل را فاعل گرداند. از طرف دیگر وجود خارجی غایت مترتب بر وجود فعل است و فعل نیز متأخر از وجود فاعل است. بنابر این محال است که غایت، علت برای فاعلیت فاعل طبیعی باشد.

۷- دلیل گزاره «کل حادث زمانی مسبوق بقوه الوجود» را تبیین کنید. ج ۳ ص ۷۵۹ - ۲ نمره

جواب: هر حادث زمانی قبل از تحقق خود ممکن الوجود است زیرا اگر متمتع بود که حادث نمی‌شد و اگر واجب الوجود بود که باید همیشه می‌بود و حدوث زمانی معنایی نداشت. این امکان اعتبار عقلی نیست بلکه امری خارجی و وجودی است زیرا متصف به شدت و ضعف می‌شود همچنین این امکان که در خارج موجود است امر جوهری نیست بلکه امری عرضی است زیرا وصف برای غیر است پس نیاز به موضوع دارد، آن امر عرضی را قوه و موضوع آن را ماده می‌نامیم.

۸- یک استدلال برای حرکت جوهری ذکر کنید. ج ۳ ص ۸۰۳ و ۸۰۸ س ۶ - ۲ نمره

جواب: استدلال اول: حرکت‌های عرضی وجودشان سیال و متغیر است و از طرفی اعراض معلول طایع و صورت‌های نوعیه هستند، و علت قریب متغیر هم باید متغیر باشد. بنابر این اگر اعراضی که معلول صور نوعیه‌اند متغیرند، ممکن نیست که علت آن‌ها (صور) متغیر نباشند.
استدلال دوم: اعراض از مراتب وجود جواهر هستند (که در جای خود توضیح داده شده است) اگر چنین است امکان ندارد که اعراض تغییر کنند ولی موضوع آن‌ها یعنی جواهر و صور نوعیه تغییر و تجدیدی نداشته باشد پس حرکات عرضی دلیل بر حرکت جوهری‌اند. [یک تقریر کافی است].

۹- برهان مطرح در عبارت «ان الصورة العلمیة کیفما فرضت مجردة من المادّة عاریة من القوّة و ذلک لوضوح أنّها، بما أنّها معلومة، فعلیة لا قوّة فیها لشیء البتّه فلو فرض أیّ تغیر فیها کانت الصورة الجدیة مبیّنة للصورة المعلومة سابقاً» را شرح داده و بنویسید دلالت بر چه چیزی می‌کند؟ ص ۹۲۲ و ۹۲۳ س ۲ و ۱ - ۲ نمره

جواب: برهان مجرد بودن صورت‌های علمی را ثابت می‌کند. (۱ نمره)
بیان مطلب: صورت علمی به هر نحو که فرض شود مجرد از ماده و فاقد قوه است. زیرا صورت علمی از آن جهت که معلوم نفس است قوه تغییر و تبدیل به هیچ وجه چیز دیگری را ندارد. زیرا هر گونه تغییر و دگرگونی در صورت علمی در نظر گرفته شود صورت جدید با صورتی که پیش از آن معلوم بوده مابین خواهد بود. حال آن که اگر صورت علمی یک امر مادی بود امکان تغییر و تحول در آن وجود داشت. (۱ نمره)

۱۰- طبق عبارت «... و مفیضها اما هو النفس ... و اما امر خارج مادی او مجرد» مفیض صور علمیه کدام مورد است و چرا بقیه موارد نمی‌توانند مفیض صور باشند؟ ج ۴ ص ۹۷۳ و ۹۷۴ - ۲ نمره

جواب: مفیض صور علمیه جوهر مجرد عقلی است. زیرا نفس نمی‌تواند باشد چون نفس خودش قابل صور است و شیء واحد نمی‌تواند هم قابل باشد و هم فاعل. امر مادی نیز نمی‌تواند چون امر مادی از نظر وجودی ضعیف‌تر از مجرد است و نمی‌تواند علت امر مجرد شود زیرا فاعل باید قوی‌تر از فعلش باشد. علاوه بر این فعل علل مادی مشروط به وضع است و امر مجرد وضع ندارد. پس متعین می‌گردد که مفیض صور جوهر مجرد عقلی باشد.